



نگاهی به تغییر ساختار خانواده در طول زمان

خانواده چی بود؟ چی شد؟

احمد کاظمی- بیشتر ما خانواده را به همان شکل رایج پدر، مادر و فرزند تصور می کنیم که در آن پدر مسئول خانواده است و وظیفه امرار معاش خانواده با اوست. مادر هم اگر در بیرون از خانه کار نکند، وقت خود را با فرزندان سپری می کند و فرزندان هم در بستر خانواده، بزرگ و تربیت می شوند و می‌بالند. یعنی همان تصور غالب از یک خانواده هسته‌ای. منتها مهم است بدانید خانواده به غیر از این مدل، در فرهنگ ها و دوران مختلف، شکل‌های دیگری هم داشته و دارد.



■ خانواده‌های مادر تبار

در گذشته، ملاحظات زیستی دو جنس زن و مرد باعث شده بود مردان به علت سرعت، چابکی و بالاتنه قوی‌تر به شکار بپردازند و زنان به دلیل باروری و شیر دادن بچه به گردآوری دانه و میوه و نگهداری غذا و کودک مشغول شوند. در نتیجه برخی از مردم شناسان معتقدند که زنان کشاورزی را اختراع کرده اند و با کاهش اهمیت شکار در معیشت گروه های انسانی، اهمیت کار زنان در امر کشاورزی و تولید بیشتر از گذشته شد. برخی معتقدند در این جوامع، زنان از جایگاه بالایی برخوردار شدند که دیگر هرگز بعد از آن تکرار نشد، چوری که حتی ثوارت هم از سوی زنان حساب می شد. منتها جوامعی که عمدتا از راه گله داری و پرورش احشام و شکار، معیشت می کردند به دلیل تسلط بیشتر مردان در امر تولید، عموماً مردسالار و پدرسالار بودند. جوامعی که بقایای آن ها در جنگل های آمازون وجود دارد و قبیله «یانومامو» یکی از آن هاست.

■ تناقض دختر کُشی و زن دوستی!

بررسی های مردم نگارانه از قبیله یانومامو (قبیله ای که در جنگل های استوایی در جنوب ونزوئلا و شمال برزیل پراکنده اند) حاکی از این است که جوانان خانواده‌ها نمی توانند هسری به دلخواه برگزینند. قواعد زناشویی یانومامو می گوید یک مرد باید از دودمانی به جز دودمان خودش هسمر بگیرد. در همین حال اگر نوزاد زنی، دختر باشد و شوهرش پسر خواسته باشد، احتمال این که مرد نوزاد را بکشد، زیاد است. این عرف باعث شده پسران دهکده ۳۰ درصد بیشتر از دختران باشند! وضعیت وقتی وخیم تر می‌شود که مردان بزرگ تر و نیرومندتر یانومامو، دو یا سه زن می گیرند. در نتیجه کمبود زن برای مردان جوان تر به مسئله حادی تبدیل می‌شود و سر همین ماجرا، جنگ‌ها و نزاع های بسیاری بین مردم دهکده های مختلف مشابه، چنین قوانینی ایجاد می‌شود تا خانواده‌های هر دو ناخودآگاه خانواده ها را به سمت داشتن فرزند پسر می کشاند، کار کرد نیروی مردها برای بقاست.

■ جیب برادرزن، محل تامین هزینه‌های زندگی خانواده

جالب است بدانید مردم شناسان به وجود برخی از خانواده ها پی برده اند که در آن، مرد و زن هزینه خود را نمی پردازند بلکه این برادر خاتم است که هزینه زندگی آن ها را متقبل می شود. دلیل این کار هم به ازدواج هایی برمی گردد که اهالی دو منطقه با هم صورت می دهند. مثلاً در یکی از مناطق، سبب زمینی کشت می شود و در دیگری ماده غذایی مورد نیاز آن منطقه به عمل می آید که برای اهالی بسیاری بین مردم دهکده های مختلف مشابه، چنین قوانینی ایجاد می‌شود تا خانواده‌های هر دو منطقه بتوانند نیازهای خود را بر طرف کنند.

■ خانواده گسترده یا همان پدرسالار نوستالژیک

تا یک قرن پیش، شکل غالب خانواده ها در دنیا، خانواده گسترده بود. این نوع خانواده یک واحد تولیدی و همچنین مصرفی بود. اعضای خانواده گسترده، شامل پدر یا همسر یا همسران خود، پسران یا همسران و فرزندانشان بودند و در کنار آن ها خویشاوندان دیگر، افراد سالخورده، معلول و بیمار هم مسکن و پناه داشتند. فعالیت اقتصادی خانواده، جنبه خود کفایی داشت و مستخدمان، برده ها و افراد دیگر هم در فعالیت های تولیدی آن شرکت داشتند. کلمه فامیلی «Family» از لغت یونانی فامیلیا، به معنی مستخدم و برده گرفته شده است که از لحاظ تاریخی به نوعی اتحاد خانگی اطلاق و افراد آزاد و برده را با هم شامل می شد. در این نوع خانواده ها، همسرگزینی و ازدواج اجباری بود و در صورت اطاعت نکردن فرزندان چه در این زمینه یا زمینه های دیگر، مالکیت پدر، سلامتی و گسترش فعالیت های اقتصادی و تقسیم کار در راه به طور جدی به خطر می انداخت.

■ خانواده هسته‌ای؛ کوچک و شهری

این خانواده از دل خانواده های دوران صنعتی به وجود آمد. برای اولین بار امکان دور نگه داشتن زنان و کودکان از درگیری های اقتصادی و مادی ایجاد شد و برای اعضای خانواده فضایی خصوصی شکل گرفت. مرد بر اساس ویژگی های فردی و شخصیتی، همسر دلخواه خود را انتخاب می کرد و صاحب یکی دو فرزند می شدند، شکلی از خانواده که به تدریج و با گسترش فعالیت های اقتصادی و تقسیم کار در جامعه، شیوه غالب زندگی در شهرهای بزرگ شد.

منابع:

- کتاب «انسان شناسی فرهنگی» نوشته دانیل بیتس و فرد پلایگ، ترجمه محسن ثلاثیو.
- کتاب «مقدمه ای بر پژوهش در جامعه شناسی خانواده در ایران» نوشته عباس عبدی.
- کتاب «جامعه شناسی خانواده» با تکیه بر نقش، ساختار و کار کرد خانواده در دوران معاصر، «نوشته شهلا اعزازی.

به بهانه روز خانواده، سراغ مفهوم، کارکرد و شکل های گوناگون آن رفتیم

چه خوبه که باهمیم



را گرم می کند، هم آرامان می کند و هم شاد و باشناطمان. کنارشان، هم می‌شود در سکوت نشست و هم از ته دل قهقهه زد. هم از شادی‌ها و موفقیت‌هایمان شاد می‌شوند و هم با غم‌هایمان اشک می‌ریزند. تنها کسانی که ما را همین‌طور که هستیم، دوست دارند و پذیرفته‌اند. تنها آدم‌هایی که زخم نمی‌زنند، حداقل آگاهانه نمی‌زنند و همیشه و هموقت و همه‌جا هوایمان را دارند. سرنوشتمان با سرنوشته‌شان گره خورده و از روزی که به دنیا می‌آییم تا روزی که از دنیا می‌رویم، تحت‌تأثیر یکدیگریم. امروز ۲۵ شهریورماه، روز خانواده است. روزی برای مهم‌ترین جمع و گروه دنیا. جمعی که از طرفی به تک‌تک افراد و از طرف دیگر به کل جامعه، هویت می‌دهد و شناسنامه و ریشه ماست. به همین مناسبت پرونده امروز «زندگی‌سلام» قرار است در قالب تعدادی یادداشت خواندنی، به بررسی مفهوم خانواده و کار کردهای آن بپردازد و البته از خانواده های عجیب دنیا هم بگوید. با ما همراه باشید.

نگاهی به رایج‌ترین آسیب‌هایی که خانواده‌های ایرانی از آن رنج می‌برند

مأمنی برای آرامش و پرورش، نه مقایسه و سرزنش!

الله توانا- خانواده در طول سال‌ها، تعریف و کارکرد مشابهی داشته اما ویژگی‌های آن در هر دوره و زمانی، شکل و شمایل متفاوتی پیدا کرده‌است؛ برای مثال در دوره‌ای، دنبال کردن شغل آبا و اجدادی، ویژگی بارز خانواده های ایرانی بوده است، زمانی پدرسالاری و در گذشته‌ای دورتر مادرسالاری و... . اما این سال‌ها وقتی پای حرف‌های پدر و مادرهای جوانی که کودکان و نوجوانان دیروزند و قرار است نسل بعدی را تربیت کنند و پرورش دهند می‌نشینیم، متوجه یک سری آسیب‌های رایج می‌شویم که متأسفانه از شدت بی‌توجهی، تبدیل به مشخصه خانواده‌های دیروز و امروز شده است. یکی از پررنگ‌ترین این آسیب‌ها را شاید بتوان علاقه به نمایش درآیی‌ها، توانایی‌ها، استعدادها و آرزوها دانست؛ مشخصه‌ای که بچه ها به عنوان ویتزینی برای نمایش این همه، عهده‌دار آن هستند. امروز فرزندان خانواده‌های طبقه متوسط و بالاتر تا پایان سن دبستان به مجموعه وسیعی از دانش‌ها و هنرهای گوناگون آراسته‌اند؛ زبان انگلیسی، موسیقی، هنرهای تجسمی، رشته‌های ورزشی و کلی مهارت دیگر که به‌طور طبیعی یادگرفتشان -به شرط علاقه البته- سال‌ها سال زمان می‌برد. خانواده قرار است بستر مناسبی را



فراهم کند تا استعدادهای فرزندان هرز نرود و عمرشان بیکار و بی‌هنر و بیهوده تلف نشود! اما قرار نیست به‌رور در آن‌ها علاقه و استعداد ایجاد کند، قرار نیست همه توان بچه را در همان سال‌های ابتدایی زندگی، صرف دویدن و رقابت و آموختن‌های غیر ضروری کند؛ می‌گویم غیر ضروری چون گاه آموزه‌های ضروری‌تری لابلای این کلاس‌های جورواجور، کم می‌شوند و بچه‌ها فرصت طلایی‌شان برای بازی کردن و کشف جهان را از دست می‌دهند. از آموختن ضروریات زندگی به بچه‌ها گفتیم، یادم آمد استادی می‌گفت: ما فرزندان را «زن» و «شوهر» و «پدر» و «مادر» تربیت نمی‌کنیم؛ یعنی یادمان می‌رود او چندسال دیگر قرار است همسر و والد بشود، برای آن روز آماده‌اش که نمی‌کنیم، مانعش هم می‌شویم. این وابسته بار آوردن بچه‌ها، یکی از آسیب‌هایی است که دامن خانواده‌هایمان را گرفته و بی‌خبر از پیامدهای منفی‌اش، آن را نشانه پدر و مادر خوب بودن تلقی می‌کنیم. فرزندان در بسیاری از خانواده‌های ایرانی، مسئول بار نمی‌آیند، تا وقتی مجبور نشوند دنبال کار و درآمد و استقلال نمی‌روند، درس خواندن را لطف به پدر و مادر و استاد و معلم می‌دانند و وقتی وارد زندگی مشترک می‌شوند در شریک زندگی‌شان پدر یا مادر همیشه

خانواده خوب،

خوب چیزیه!



علیرضا کاردار- در آخرین لحظات چاپ این پرونده باخبر

شدیم به یک گزارش میدانی نیاز داریم. ولی متأسفانه چون میدانی در نزدیکی مان نبود، مجبور شدیم دور خودمان بچرخیم و به هر کسی رسیدیم، سوال کنیم که: «یک خانواده خوب و خوشبخت چه ویژگی هایی دارد؟» این شما و این هم پاسخ‌ها: **ب.ز، بیست و چند ساله، مدیر:** خانواده خوب اونیه که پدر و مادر از طریق ژن هاشون، تمام خوبی ها رو قبل از تولد به بچه هاشون منتقل کنن. البته منظورم از ژن خوب، قد بلند و چشم روشن و ضریب هوشی بالا نیست. منظور به ارث بردن یک نام خانوادگی بابایته که لرزه به تن شنونده بندازه، یک حساب بانکی تیل که نمود نشه و چندتا پست و مقام چرب و چیلی که توپ هم نتونه پای‌های میزش رو تگون بد. اینا رو که به ارث ببریم، به دنبالش قد و وزن و رنگ پوست و مدرک دانشگاهی هم خودش در دست می‌شه!

کمال ناگامیاب: راستش خانواده خوب خانواده‌ایه که مادر خانواده دستپختش توپ باشه، قرمه سبزی‌هاش رویایی باشه اما در عوض اصلاً بلد نباشه سوپ و اشکنه و کوکو بپزه! پدر خانواده هم طبع معتدلی داشته باشه، چوری که توی تابستون هر کی نزدیک دکه‌ه های کولر می‌شه و توی زمستون هر کی بخاری رو کم میکنه رو، چوری با دامپایی بزنه که بچسبه به دیوار! راستی در یک خانواده خوشبخت، مادر، اصلاً نباید کار با دامپایی رو بلد باشه، چون تبدیلی می‌کنه به یک سلاح مرگبار! **آشمنیلا جون، یک خردادی مغرور:** تویبح سوسولیتینا خوندم که خانواده خوب اصلاً پیدا نمی‌شه! اونیه که باباش پولداره و بی حساب و بدون منت پول توجیبی میده به بچه هاش، مامانش گیره و هی می‌گه اون چا نره، با این دوست نشو، گوشو رو بذار کنار. اون خانواده‌ای که مامانه کاری به کار بچه ها نداره، باباشون از عهده خرج‌ها برنمیاد و حتی نمی‌تونه برای بچه هاش یک گوشی «فیک» و یه دست لباس «های کپی» بخره. خانواده ای هم که هم مامانش پایه است و هم باباش مایه دار، اون قدر به پر و پای هم می‌بیچن که آخرش بدون بچه از هم جدا می‌شن و داغش به دلمون می‌مونه! راستی شما از این خانواده ها سراغ ندارین منوبه فرزندخوندگی بپذیرن؟

علیرضا، لیسانسه، بیکار: والا این که سوال نداره دیگه. خانواده من بهترین خانواده دنیاست. بابام با حقوق کارمندی، یک عمر بی منت خرج من و خواهر و برادرهام رو داد. مادرم هم بدون چشم‌داشت و با هر کم و کسری، جوری ماها رو تربیت کرد که حتی یک روز هم توی زندگی احساس ناراحتی و کمبود نکنیم. الان هم اگه به شغل آبرومند برام پیدا بشه تا دیگه سربار خانواده نباشم، می‌تونم یک درصد از خیالت پدر و مادرم در پیام و خودم یکی از همین خانواده‌های خوشبخت رو تشکیل بدم. راستی شما کار سراغ ندارین؟



وقتی از برنامه‌های خانوادگی حرف می‌زنیم، از چه چیزی حرف می‌زنیم؟

حال خوب پدر با تماشای ال کلاسیکو

نیره حسینی- وقتی از تحکیم خانواده و تقویت بنیان های آن سخن به میان می آید، به طور معمول توصیه برای گرم شدن روابط اعضای خانواده با اختصاص زمان هایی برای دور هم بودن، گپ زدن و ترتیب دادن تفریحات خانوادگی، پای ثابت این بحث است و سر و گوش همه ما از این حرف ها پر است و معمولاً با پاسخ‌هایی مثل: «ای بابا! پدر من که تا ساعت ۹ شب سر کار است و وقتی هم به خانه می‌آید، مشغول تماشای اخبار و فوتبال می‌شود» یا «مامان من از صبح تا شب مشغول پخت و پز و بشور و بساب و خرید است» یا مثلاً «بچه من بیشتر از این داشته باشد، آن قدر حالش خوب شود و انرژی بگیرد که بتواند حال بقیه اعضای خانواده را هم خوب کند. مهم این است که ما به عنوان اعضای یک خانواده، از بودن در کنار یکدیگر، احساس آرامش و نشاط کنیم و از همنشینی باهم لذت ببریم و مهم است که برای دستیابی به این حال خوب، واقع‌بین و منصف باشیم و براساس شرایط خانوادگی‌مان، بررسی کنیم چه برنامه‌ای می‌تواند حال تک‌تک اعضای خانه را خوب کند و گاهی به نفع همدیگر کوتاه بیاییم. آن وقت است که می‌بینیم نقطه های کوچک خوشبختی در آسمان زندگی مان می درخشند، انگار خوشبخت ترین خانواده روی زمین، خانواده ماست!

نیره حسینی- وقتی از تحکیم خانواده و تقویت بنیان های آن سخن به میان می آید، به طور معمول توصیه برای گرم شدن روابط اعضای خانواده با اختصاص زمان هایی برای دور هم بودن، گپ زدن و ترتیب دادن تفریحات خانوادگی، پای ثابت این بحث است و سر و گوش همه ما از این حرف ها پر است و معمولاً با پاسخ‌هایی مثل: «ای بابا! پدر من که تا ساعت ۹ شب سر کار است و وقتی هم به خانه می‌آید، مشغول تماشای اخبار و فوتبال می‌شود» یا «مامان من از صبح تا شب مشغول پخت و پز و بشور و بساب و خرید است» یا مثلاً «بچه من بیشتر از این داشته باشد، آن قدر حالش خوب شود و انرژی بگیرد که بتواند حال بقیه اعضای خانواده را هم خوب کند. مهم این است که ما به عنوان اعضای یک خانواده، از بودن در کنار یکدیگر، احساس آرامش و نشاط کنیم و از همنشینی باهم لذت ببریم و مهم است که برای دستیابی به این حال خوب، واقع‌بین و منصف باشیم و براساس شرایط خانوادگی‌مان، بررسی کنیم چه برنامه‌ای می‌تواند حال تک‌تک اعضای خانه را خوب کند و گاهی به نفع همدیگر کوتاه بیاییم. آن وقت است که می‌بینیم نقطه های کوچک خوشبختی در آسمان زندگی مان می درخشند، انگار می‌تواند متفاوت باشد. اگر خانواده‌ای به واسطه موقعیت و